



A Psychological Analysis of Ahmad's Character in the Novel Al-Shawk wa al-Qarnafal Based on the Ninefold Enneagram Model

Batoul Mohseni Rad ¹, Mohammad taghi Zandvakili ², Obeydollah Koch Totazahi ³

¹ Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

² Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

³ PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
03/03/2026

Accepted:
25/07/2026

Personality typology, particularly the ninefold Enneagram model, provides researchers with a psychological framework for analyzing human behavior and temperament. However, the analysis of fictional characters based solely on narrative evidence or solely on psychological concepts remains inadequate for explaining the hidden layers of personality, and this issue still requires an integrative framework. The novel Al-Shawk wa al-Qarnafal by Yahya Sinwar, a Palestinian writer, presents a multilayered character through the narration of Ahmad's life in the context of resistance and captivity, whose analysis requires the simultaneous use of narrative evidence and Enneagram concepts. This study aims to explain how Ahmad's personality traits correspond to the nine Enneagram types and to identify his dominant type, employing an integrative approach. The Enneagram theory from the field of personality psychology serves as the theoretical framework of the secondary discipline, integrated with narrative analysis methods in Arabic literature, and the level of interdisciplinary interaction is interdisciplinary. The findings indicate that Type 2 has the greatest correspondence with Ahmad's character; his attachment to Ibrahim reflects this tendency, and his intervention in the conversation between his mother and Ibrahim about finding a spouse exemplifies it. Alongside this trait, traces of Types 1, 6, 8, and 9 are also evident in his character, while Type 5 is limited to stressful situations. Accordingly, the integrative analysis demonstrates that the Enneagram, in conjunction with narrative evidence, can contribute to a more precise explanation of Ahmad's characterization and provide a model for analyzing other Arabic fictional characters.

Keywords: *Al-Shawk wa al-Qarnafal, Yahya al-Sanwar, Enneagram, Cognitive psychology, Personality typology.*

Cite this article Mohseni Rad, B. & Zandvakili, M.T. & Koch Totazahi, O. (2026). A Psychological Analysis of Ahmad's Character in the Novel Al-Shawk wa al-Qarnafal Based on the Ninefold Enneagram Model, *Interdisciplinary Narrative Studies in Arabic Language and Literature*. 3(1). 217-238.

doi: 10.22034/jisall.2026.588655.1133

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



***Corresponding Author:** Obeydollah Koch Totazahi

Address: PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

E-mail: tootazehi@pgs.usb.ac.ir



دوفصلنامه روایت پژوهی میان رشته‌ای در زبان و ادبیات عربی

شاپای الکترونیکی: ۳۰۹۲-۶۹۵۵

<https://jisall.uoz.ac.ir/>



تحلیل روان‌شناختی شخصیت احمد در رمان «الشوک والقرنفل» بر اساس الگوی نه‌گانه انیاگرام

بتول محسنی‌راد^۱، محمدتقی زندوکیلی^۲، عبدالله کوچ توتازه‌هی^{۳*}

^۱ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۲ دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۳ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

دریافت:

۱۴۰۴/۱۲/۱۲

پذیرش:

۱۴۰۵/۰۵/۰۳

تیپ‌شناسی شخصیت، به‌ویژه الگوی نه‌گانه انیاگرام، به‌عنوان نظریه‌ای روان‌شناختی، ابزاری برای تحلیل رفتار و خلق انسان در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد؛ بااین‌حال، تحلیل شخصیت‌های داستانی صرفاً با تکیه بر شواهد روایی یا صرفاً با تکیه بر مفاهیم روان‌شناختی، از تبیین کامل لایه‌های پنهان شخصیت ناتوان است و این مسئله همچنان به چارچوبی تلفیقی نیازمند است. رمان «الشوک والقرنفل» اثر یحیی سنوار، نویسنده فلسطینی، با روایت زندگی احمد در بستر مقاومت و اسارت، شخصیتی چندلایه را ارائه می‌دهد که تحلیل آن نیازمند بهره‌گیری هم‌زمان از شواهد روایی و مفاهیم انیاگرام است. این پژوهش با هدف تبیین چگونگی انطباق ویژگی‌های شخصیتی احمد با تیپ‌های نه‌گانه انیاگرام و شناسایی تیپ غالب او، با رویکردی تلفیقی انجام شده است. نظریه انیاگرام از حوزه روان‌شناسی شخصیت، به‌عنوان چارچوب نظری رشته دوم، با روش‌های تحلیل روایت در ادبیات عربی تلفیق شده و سطح تعامل میان‌رشته‌ای از نوع میان‌رشته‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تیپ ۲ بیشترین انطباق را با شخصیت احمد دارد؛ دلستگی او به ابراهیم و مداخله‌گری‌اش در گفت‌وگوی مادر و ابراهیم درباره یافتن همسر، مصداق این گرایش است. در کنار این ویژگی، نشانه‌هایی از تیپ‌های ۱، ۶، ۸ و ۹ نیز در شخصیت او دیده می‌شود و تیپ ۵ به موقعیت‌های تنش‌زا محدود است. بر این اساس، تحلیل تلفیقی نشان می‌دهد که انیاگرام در پیوند با شواهد روایی می‌تواند به تبیین دقیق‌تر شخصیت‌پردازی احمد کمک کند و الگویی برای تحلیل سایر شخصیت‌های داستانی عربی فراهم آورد.

کلمات کلیدی: «الشوک والقرنفل»، یحیی سنوار، انیاگرام، روان‌شناسی شناختی، تیپ‌شناسی شخصیت.

استناد: محسنی‌راد، ب. زندوکیلی، م. کوچ توتازه‌هی، ع. (۱۴۰۵). تحلیل روان‌شناختی شخصیت احمد در رمان «الشوک والقرنفل» بر اساس الگوی نه‌گانه انیاگرام. *روایت‌پژوهی میان‌رشته‌ای در زبان و ادبیات عربی*. ۳ (۱). ۲۳۸-۲۱۷.

doi: 10.22034/jisall.2026.588655.1133



حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه زابل

*نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسئول): tootazehi@pgs.usb.ac.ir

۱. مقدمه

در مطالعات ادبی معاصر، گذار از نقدهای صرفاً جامعه‌شناختی به سوی تحلیل‌های روانشناختی، گامی ضروری برای درک عمیق‌تر آثار است. بررسی آثار داستانی از این منظر، نه تنها شناخت دقیق‌تری از نویسنده و جهان داستانی او به دست می‌دهد، بلکه زوایای پنهان شخصیت پردازی را که نیروی محرک روایت است، آشکار می‌سازد. در ساختار روایی، تمام کنش‌ها، احساسات و گرایش‌های یک اثر حول محور شخصیت‌ها شکل می‌گیرند و روایت، یا توسط آن‌ها بیان می‌شود یا بر آن‌ها واقع می‌گردد (عموری و جرفی، ۱۴۰۳: ۱۰۵). با این حال، تحلیل سنتی و صرفاً ادبی شخصیت‌ها، گاه آن‌ها را به نمادهای ایستا تقلیل می‌دهد و از پیچیدگی‌های درون روانی آن‌ها غافل می‌ماند؛ شکافی که با ورود روان‌شناسی شخصیت به حوزه ادبیات قابل ترمیم است.

در این پژوهش، از نظریه‌ی انیاگرام به عنوان چارچوبی برای تحلیل پویای شخصیت استفاده شده است. این نظریه با تبیین نه تیپ اصلی شخصیت و تحلیل روابط تنشی و آرامشی میان آن‌ها (پارسا و همکاران، ۱۳۹۰: ۶)، به منتقد اجازه می‌دهد تا چرایی رفتار یک شخصیت را در موقعیت‌های گوناگون درک کند. ترکیب این مدل با روایت‌شناسی، یک رویکرد میان‌رشته‌ای ایجاد می‌کند که در آن، روانشناسی به کمک تحلیل متن می‌آید تا لایه‌های درونی شخصیت را رمزگشایی کند.

یحیی سنوار، نویسنده اثر و از رهبران مقاومت، رمان «الشوک و القرنفل» را در دوران اسارت نوشت (زیبائی و نعیش الغرابی، ۲۰۲۴: ۸۰). این رمان که داستان یک خانواده‌ی فلسطینی متوسط درگیر فقر و اشغال را پس از سال ۱۹۶۷ روایت می‌کند، بستری واقعی و ملموس برای شخصیت پردازی فراهم آورده است. در مرکز این روایت، شخصیت احمد قرار دارد که میان آرمان‌گرایی و فشارهای زیستی محیط اشغال شده در تکیا است؛ کشمکش‌هایی که او را به سوژه‌ای مناسب برای تحلیل روان‌شناختی بدل کرده است.

نوآوری این پژوهش در آن است که با تلفیق تیپ‌شناسی انیاگرام و تحلیل روایت، از خوانش‌های کلیشه‌ای ادبیات مقاومت فاصله گرفته و به تحلیل دنیای درونی و ذهنیت شخصیت راوی می‌پردازد. این پیوند میان‌رشته‌ای، نه به معنای تحمیل روان‌شناسی بر ادبیات، بلکه بهره‌گیری از الگوهای علمی برای کشف چندلایگی شخصیت است؛ موضوعی که تاکنون در تحلیل این رمان مغفول مانده است. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است که ماهیتی دوگانه دارند و پاسخ به آن‌ها مستلزم نگاه هم‌زمان به ادبیات و روان‌شناسی است.

- احمد در رمان «الشوک و القرنفل» با کدام تیپ انیاگرام بیشترین انطباق را دارد؟

- الگوی انیاگرام چگونه به تحلیل چندلایگی شخصیت راوی کمک می‌کند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

بر اساس جستجوهای به عمل آمده، پژوهش‌های در زمینه‌ی شخصیت یحیی سنوار و رمان «الشوک و القرنفل» صورت گرفته است. اما در زمینه نظریه‌ی انیاگرام تحقیقات گسترده‌ای، مخصوصاً در مجال ادبیات و رمان‌ها صورت گرفته است. در زیر پژوهش‌هایی که در این خصوص پرداخته شده است، اشاره می‌شود.

مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت‌دهی و مشروعیت‌زدایی در رمان «الشوک و القرنفل» یحیی سنوار طبق تحلیل گفتمان انتقادی مورمن فرکلایف» (۱۴۰۴) از احمد عارفی و زهرا نصری. در این مقاله نویسندگان به دو اصل مشروعیت‌دهی و مشروعیت‌زدایی بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طبق این نظریه در سطح توصیف روش‌های مانند تضاد، انکار و توییح و غیره به هدف تشویق بر روحیه مخاطب که به مقاومت در برابر اشغالگران و مشروعیت‌آیدلوئوژی خود برپردازد.

مقاله‌ای با عنوان «تعامل متن و ترجمه در بازتاب فرهنگ؛ موردپژوهی خار و میخک یحیی سنوار» (۱۴۰۴) از نرگس انصاری و طیبه سیفی. در این مقاله نویسندگان به رابطه میان زبان و فرهنگ پرداخته‌اند و در نهایت به این نتایج دست یافته‌اند که بر اساس نوع روایتگری و عناصر به کار رفته در خار و میخک می‌توان گفت: سنوار این اثر را برای مخاطب عمومی جامعه نوشته است، نه مخاطب خاص؛ از این رو، زبان خود را زبان مردم و زندگی عادی آنها انتخاب می‌کند.

مقاله دیگر با عنوان «مؤلفه‌های ادبیات پایداری در رمان «الشوک والقرنفل» شهید یحیی سنوار» (۱۴۰۴) از مسعود باوان‌پور و پروین خلیلی. در این مقاله نویسندگان به بررسی مؤلفه‌های ادبیات مقاومت در رمان مذکور پرداخته و یافته‌هاشان نشان می‌دهد که نویسنده با لحنی انتقادی تمام جنایات رژیم در زندانها، اردوگاه‌ها و میدان‌های نبرد را برملا کرده و نیز دردها و آلام درونی هموطنانش، آوارگی‌ها، محاکمه و بازداشت دانشجویان و جوانان از طرف مزدوران رژیم اسرائیلی، ویرانی خانه‌های فلسطینی و شهرک سازی رژیم برای اسکان یهود را بازتاب داده است.

مقاله دیگر از منیره زیبایی و ابراهیم علی نعیش الغرابی با عنوان «البنية السردية في رواية الشوك والقرنفل ليحیی السنوار» (۲۰۲۴). در این مقاله نویسندگان سعی نموده‌اند با رویکرد ساختارشناسی، از توانایی نویسنده داستان در بکار بردن عناصر روایی به عنوان ابزار برای بیان واقعیت راژیک فلسطین پرده بردارند و به این نتیجه دست یافته‌اند که سنوار با ایجاد جو التذاذ و سرگرمی از طریق شخصیت پردازی و معطوف نمودن توجه خواننده به نقش انکار ناپذیر شخصیت، به خوبی در شریان اصلی رمان بکار گرفته است.

در مورد انطباق الگوی انیاگرام بر متون روایی نیز پژوهش‌های زیادی صورت گرفته از جمله؛ مقاله‌ای توسط سویدا درویش و نرگس محمدی بدر با عنوان «تحلیل روانشناختی شخصیت در داستان

کوتاه درخت گلابی از گلی ترقی بر اساس نظریهٔ اناگرام» (۱۴۰۳). در این مقاله نویسندگان بر اساس الگوی اناگرام به بررسی تیپ‌های نه‌گانه شخصیت اصلی داستان پرداخته و نتیجه‌گیری‌شان از این پژوهش بیانگر آن است که اغلب مؤلفه‌های رفتاری شخصیت اصلی با تیپ ۵ سازگار است.

مقاله‌ای توسط سویدا درویش و نرگس محمدی بدر با عنوان «بررسی تطبیقی شخصیت در داستان‌های منتخب گلی ترقی و آلیس مونرو بر مبنای نظریهٔ اناگرام» (۱۴۰۱). در این مقاله نویسندگان ضمن بررسی تطبیقی تیپ‌های نه‌گانهٔ اناگرام در این دو داستان و بیان افتراق و اشتراک، نوع بسامد آن را ذکر نموده‌اند که هر دو نویسنده از تیپ ۲ و تیپ ۸ بیشترین بهره را برده‌اند.

مرور پیشینه نشان می‌دهد که هیچ پژوهشی شخصیت احمد را با نظریهٔ اناگرام که یک نظریهٔ شخصیت شناسی است، تحلیل نکرده است. پژوهش‌های مرتبط با رمان، عمدتاً گفتمانی، فرهنگی یا ساختارشناختی هستند و فاقد رویکرد روان‌شناختی‌اند. پژوهش‌های مرتبط با اناگرام، گرچه در ادبیات داستانی کاربرد داشته‌اند، اما در حوزه ادبیات مقاومت فلسطین به‌کار نرفته‌اند. هیچ پژوهشی رویکرد میان‌رشته‌ای میان ادبیات مقاومت و روان‌شناسی شخصیت را در این رمان دنبال نکرده است. از این رو، پژوهش حاضر شکاف موجود را پر می‌کند و با رویکردی میان‌رشته‌ای، شخصیت احمد را بر اساس الگوی نه‌گانه اناگرام تحلیل می‌کند؛ رویکردی که تاکنون در مطالعات مربوط به این رمان به‌کار نرفته است.

۲. چارچوب نظری و روش‌شناسی میان‌رشته‌ای

۲-۱. چارچوب نظری

شخصیت، مفهوم فراگیر درباره انسان است، چه در بعد بیرونی و چه در بعد درونی، با همه گرایش‌ها، تصورات، اندیشه‌ها، قناعت‌ها و نیز ویژگی‌های رفتاری، ذوقی و روانی او (آلبرت، ۲۰۱۳: ۱۱). شخصیت‌های رمان مانند شخصیت نمایش می‌توانند نقش‌های گوناگونی را در جهان خیالی توسط رمان نویس ایفا کند. ابراهیم بر این باور است که شخصیت در رمان عربی در پیوند با هویت و شرایط اجتماعی شکل می‌گیرد و این پیوند، لایه‌های پنهان رفتار شخصیت را آشکار می‌سازد (ابراهیم، ۲۰۱۶: ۱۱۲). بنابراین شخصیت در شمار ارکان اساسی رمان است؛ ارکانی که ساختار روایت بر آن‌ها استوار می‌شود و حذف پذیر نیست. شخصیت یکی از ستون‌های بنیادین اثر روایی به شمار می‌آید و بدون آن، بنای داستان فرو می‌ریزد (العبودی و العامری، ۲۰۱۳: ۱۲۲).

یکی از مدرن‌ترین نظریه‌ها در زمینه شناخت شخصیت و تیپ شناسی نظریهٔ اناگرام است. شناخت تیپ‌های شخصیتی می‌تواند رفتارهای فرد را در موقعیت‌های تنشی و تصمیم‌گیری‌های دشوار تبیین می‌کند (عمارة، ۲۰۱۸: ۸۹). از منظری دیگر می‌توان گفت تیپ یک ویژگی کلی، یا ویژگی غالب و یا ترکیبی از چند ویژگی است (راجح، ۱۹۸۵: ۴۶۸). بنابراین، تیپ‌ها نظام‌هایی پیچیده از ویژگی‌های

متعارض‌اند که می‌توان آن‌ها را در مجموعه‌ای اندک از فهرست‌های بنیادی ساده‌سازی کرد (الزیناتی، ۲۰۰۳، ۱۳). انیاگرام به معرفی تیپ‌های شخصیتی نه‌گانه می‌پردازد. انیا در زبان یونانی به معنی ۹ و گرام به معنی مدل و جرم است (أبو‌السل، ۲۰۱۴: ۶۲۵).

تیپ‌های نه‌گانه انیاگرام عبارت‌اند از: تیپ عالی طلب، تیپ امدادگر، تیپ موفقیت طلب، تیپ فردگرا، تیپ پژوهشگر، تیپ پرسشگر، تیپ خوشگذران، تیپ صلح طلب، تیپ ریاست طلب، هر کدام از تیپ‌های انیاگرام دارای ویژگی‌ها و محاسن است. پابندی به اصول اخلاقی، توجه و وابستگی شدید به دیگران، مهربانی، کنجکاوی، قاطع و مقتدر و غیره از اهم ویژگی‌های تیپ‌های یاد شده است (ریسو و هادسون، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

از آنجا که هدف این پژوهش تحلیل شخصیت احمد بر اساس الگوی نه‌گانه انیاگرام است، تمرکز اصلی بر این است که چگونه احمد در تعامل با شخصیت‌های دیگر، ویژگی‌های تیپ‌های مختلف انیاگرام را بروز می‌دهد. بنابراین، شخصیت احمد در این رمان یک شخصیت پویا به معنای کلاسیک نیست؛ بلکه شخصیتی چند لایه و موقعیت محور است که در تعامل با دیگر شخصیت‌ها، تیپ‌های مختلف انیاگرام را بروز می‌دهد. این رویکرد، تحلیل شخصیت را از سطح توصیف سنتی فراتر می‌برد و آن را در چارچوب روایت‌پژوهی میان‌رشته‌ای قرار می‌دهد؛ یعنی جایی که شخصیت نه تنها عنصر داستانی، بلکه ساختاری روان‌شناختی قابل تبیین است به ویژه در داستان‌های عربی که شخصیت محور هستند، نظریه انیاگرام می‌تواند ابزار مؤثری برای تحلیل لایه‌های درونی شخصیت و تبیین رفتارهای متناقض یا تحول پذیر باشد.

۲-۲. روش تحقیق

این پژوهش بر پایه نظریه انیاگرام انجام شده است؛ الگویی که در آن می‌توان شخصیت‌ها را بر اساس تیپ‌های نه‌گانه ارزیابی کرد. تحلیل حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی از مجموع تیپ‌ها، با تمرکز بر تیپ‌های غالب صورت گرفته است. در این پژوهش، روش‌های دو حوزه ادبیات و روان‌شناسی شخصیت به صورت تلفیقی برای تحلیل رمان «الشوک والقرنفل» به کار گرفته شده است تا جنبه‌های مختلف روایت و روانی شخصیت احمد در یک چارچوب واحد بررسی شود.

از منظر ادبیات، روش‌های روایت‌شناسی برای تحلیل ساختار داستان، کنش‌های شخصیت‌ها، فضا و زمان روایی، و نحوه شکل‌گیری موقعیت‌های داستانی به کار رفته است. در کنار این رویکرد، مفاهیم و شاخص‌های الگوی انیاگرام از حوزه روانشناسی شخصیت برای شناسایی الگوهای رفتاری، انگیزی و هیجانی احمد مورد استفاده قرار گرفته است، بدین معنا که داده‌های روایی استخراج شده از متن با مؤلفه‌های تیپ‌شناسی انیاگرام تطبیق داده شده و سپس در یک فرایند تحلیلی مرحله‌مند، تغییرات رفتاری احمد در بستر روایت تبیین گردیده است. این ترکیب میان‌رشته‌ای نسبت به روش‌های

تکرارسته‌ای مزیت مهمی دارد، زیرا امکان می‌دهد لایه‌های پنهان شخصیت پردازی که در تحلیل صرفاً ادبی قابل مشاهده نیست، آشکار شود و خوانشی عمیق‌تر از روایت شکل گیرد.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. تیپ ۲ و نقش آن در ساختار روایت

تحلیل میان‌رشته‌ای شخصیت احمد نشان می‌دهد که الگوی رفتاری او در بخش‌های مختلف روایت با ویژگی‌های تیپ ۲ در انیاگرام همخوانی دارد؛ تپیی که بر مهرورزی، دلدادگی، توجه افراطی به دیگران و وابستگی عاطفی استوار است (پالمر، ۱۳۹۲: ۱۶۳). در نمونه روایی مربوط به رابطه احمد با ابراهیم، راوی احترام و دلبستگی شدید خود را چنین توصیف می‌کند: «لوجود إبراهيم في الجامعة و دوره القيادي في الكتلة الإسلامية، فقد يكن له احترام غير عادي قد يصل إلى شيء من القداسة... وقد كنت أخشى أن يتعدى عليه البعض... ففي كل يوم كان إبراهيم يزداد في نظري سمو واحتراماً، فهو الذي تربي يتيماً من أبيه الذي استشهد وهو في الرابعة من عمره» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۴۹).

این عبارت روایی نشان می‌دهد که احمد نسبت به افراد مهم زندگی خود احساس وظیفه عاطفی دارد؛ احساسی که در تیپ ۲ به عنوان ویژگی اصلی حفظ رابطه تعریف می‌شود. ویژگی‌ای که در تیپ ۲ بسیار برجسته است. این تیپ دارای ویژگی‌های، مهرورزی، دلدادگی و وابستگی شدید به دیگران است. در رمان «الشوك والقرنفل» شخصیت احمد در بسیاری از موقعیت‌ها رفتارهایی مطابق با تیپ ۲ بروز می‌دهد روایت با برجسته سازی رابطه احمد و ابراهیم، محور عاطفی داستان را شکل می‌دهد. توصیف احترامی که به حدّ قداست می‌رسد (همان: ۱۵۰) نشان می‌دهد که ابراهیم در ساختار روایت، نقش شخصیت مرجع را دارد و احمد در نسبت با او تعریف می‌شود.

احمد نسبت به ابراهیم احساس وظیفه عاطفی دارد؛ پس رابطه احمد نسبت به ابراهیم بر پایه مراقبت، احترام و دلبستگی شکل گرفته است. این رابطه، هویت احمد را می‌سازد و مسیر کنش‌های او را تعیین می‌کند. احمد در این بخش، ابراهیم را نه تنها یک پسرعمو یا دوست، بلکه مرجع هویتی خود می‌بیند. این نوع احترام که به حدّ قداست می‌رسد، نشان می‌دهد که احمد در ساختار روانی خود، برای تثبیت هویت و معنا، نیازمند تکیه‌گاه است؛ کسی که نقش پدر غائب را نیز جبران می‌کند. این دلبستگی شدید، ویژگی اصلی تیپ ۲ است. فرد برای معنا بخشیدن به خود، به دیگری چنگ می‌زند و رابطه را به محور هویت تبدیل می‌کند. در اینجا، رابطه احمد با ابراهیم، جایگزین پدر شهید می‌شود و احمد با بزرگ نمایی ابراهیم، خلأ عاطفی خود را پر می‌کند. این رفتار نشان می‌دهد که احمد در سطح عمیق‌تر، از طریق مهرورزی افراطی، تلاش می‌کند احساس خود را حفظ کند.

براساس نظریه انیاگرام، تیپ ۲ در سطح سالم، محبت و توجه شدید به افراد مهم زندگی دارد و در سطح ناسالم، این توجه به قداست بخشی و وابستگی افراطی تبدیل می‌شود (ریسو و هادسون، ۱۳۹۶:

۱۵۳). این خوانش میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که رابطه احمد با ابراهیم صرفاً یک رابطه خانوادگی نیست، بلکه عاملی بنیادین در تکوین شخصیت او به شمار می‌آید. این مسئله در متن زیر به خوبی نمود یافته است: «ألم تنفق أن نؤجل هذا الأمر لحين التخرج؟ قالت: نعم، نعم، ولكنني أبحث لك، وأول ما أجد العروس المناسبة سنخطبها لك ولو قبل التخرج. قال: يا عمتي... فدخلت مقاطعا لعلني أخلصه من المأزق: ما رأيك أنه يريد واحدة محددة وهو يحبها؟ نظرت إليّ ساخرة: أسكت! أنت من طلب منك التدخل؟» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۸۶).

این صحنه، نقطه تنش روایی است؛ جایی که احمد از ناظر به کنشگر تبدیل می‌شود و با دخالت در گفت و گو، مسیر روایت را تغییر می‌دهد. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های او، توجه عمیق به خانواده و دوستان بود؛ توجهی که نه تنها در سطح عاطفی، بلکه در سطح عملی و رفتاری نیز دیده می‌شود. در این صحنه، احمد مرزهای شخصی مادر و ابراهیم را نادیده می‌گیرد و وارد گفت و گویی می‌شود که هیچ جایگاهی در آن ندارد. این دخالت، نشانه روشن اضطراب رابطه‌ای در تیپ ۲ است. فرد می‌ترسد رابطه مهم زندگی‌اش دچار تنش شود، بنابراین با دخالت، تلاش می‌کند کنترل رابطه را در دست بگیرد. احمد در این لحظه، نه از سر کنجکاوی، بلکه از سر ترس از فاصله گرفتن ابراهیم وارد گفت و گو می‌شود. این رفتار نشان می‌دهد که احمد رابطه خود با ابراهیم را شرط بقا می‌بیند و هرگونه تهدید به فاصله را با دخالت و کنترل پاسخ می‌دهد.

تیپ ۲ در سطح ناسالم برای حفظ رابطه، به دخالت‌های ناخواسته و رفتارهای اغواگرانه روی می‌آورد (ریسو و هادسون، ۱۳۹۶: ۸۸). در انیاگرام، تیپ ۲ معمولا احساس می‌کند باید نیازهای دیگران را برآورده کند تا رابطه عاطفی حفظ شود. بر اساس الگوی انیاگرام، افراد متوسط تیپ ۲ به دیگران توجه اغواگرانه دارند و از آنها تعریف می‌کنند و آنها را نوازش می‌کنند و بیش از حد به دیگران نزدیک می‌شوند و گاهی کارشان به مزاحمت و دخالت می‌کشد (همان: ۱۷). گاهی این ویژگی تیپ ۲ با شخصیت راوی سازگار است رویکرد میان‌رشته‌ای آشکار می‌سازد که این مداخله را نباید صرفاً رفتاری کودکان دانست؛ بلکه می‌توان آن را بازتاب فعال شدن دفاع روانی تیپ ۲ تلقی کرد.

«كنت أراول أعمال البناء شريكا كاملا لإبراهيم الذي كان يبذل وقتا في العمل أقل مما أبذل، لكنه في الوقت القليل الذي يبذله ينتج الكثير مما يعادل ما أبذله من جهد. وقد كنت راضيا بشراكته من أعماق نفسي، وليس فقط لأنه ابن عمي وصديق طفولتي وزوج أختي، وليس فقط لأنني أعلم أنه يغيب عن العمل لقيامه بدور وطني ممتاز في الترتيب والتخطيط والدعم للمقاومين، وإنما فوق ذلك كله لأنه كان مخلصا في عمله إلى أبعد الحدود» (السنوار، ۲۰۰۴: ۲۵۰).

این صحنه، رابطه احمد و ابراهیم را از صرف عاطفی بودن به میدان عمل ارتقا می‌دهد و نقش احمد را در ساختار روایت برجسته می‌کند. احمد با ایفای نقش حامی خانواده و پشتیبان نزدیکان، یکی از محورهای اصلی روایت را نمایان می‌کند. بنابراین ویژگی‌های تیپ ۲ در احمد، از سطح فردی فراتر می‌روند و در ساختار روایت، کارکردی ایدئولوژیک پیدا می‌کنند انجایی که احمد به قصد احترام و علاقه‌ای که به پسرعمویش ابراهیم دارد در کار ساختمانی با ابراهیم شریک می‌شود و از اعماق وجودش

از مشارکت با او راضی است. احمد کار ساختمانی را نه به عنوان یک وظیفه اقتصادی، بلکه به عنوان ابزار حفظ رابطه انجام می‌دهد. او می‌گوید از اعماق وجودش از مشارکت با ابراهیم راضی است؛ این رضایت، رضایت از کار نیست، بلکه رضایت از نزدیکی عاطفی است. در اینجا، کارکرد محتوایی صحنه این است که نشان دهد احمد برای حفظ رابطه مهم زندگی‌اش، حاضر است از خود گذشته‌گی عملی انجام دهد این سطح از فداکاری، نشان دهنده حرکت احمد از مرزهای عاطفی به تعهد اجتماعی است. افراد تیپ ۲ کار را به قصد احترام به افراد مهم و تأثیرگذار انجام می‌دهند (پالمر، ۱۳۹۲: ۷۵). بنابراین بر اساس الگوی انیاگرام این رفتار، ساز و کار تیپ ۲ را آشکار می‌کند. فرد برای حفظ رابطه، خود را در خدمت دیگری قرار می‌دهد و حتی از نیازهای خود چشم‌پوشی می‌کند. این مشارکت، نه یک رفتار اقتصادی، بلکه تبدیل محبت به کنش اجتماعی است؛ لایه‌ای که با الگوی انیاگرام می‌توان ابعاد آن را روشن‌تر بیان کرد.

«ابن عمی ابراهیم کان أعز أصدقائي، وكنا دوما معا» (السنوار، ۲۰۰۴: ۷۸). روایت با برجسته سازی همراهی دائمی احمد با ابراهیم، الگوی رابطه محوری را در ساختار داستان تثبیت می‌کند به گونه‌ای که مسیر حرکت شخصیت نه بر اساس کنش فردی، بلکه بر اساس پیوند با دیگری شکل می‌گیرد. تکرار عبارت؛ دوما معا حضور ابراهیم را به عنوان محور ثبات و جهت دهنده کنش‌های احمد معرفی می‌کند و بدین ترتیب، رابطه نزدیکان به عنصر پیشبرد روایت تبدیل می‌شود. این شیوه روایت‌پردازی موجب می‌شود هویت احمد در نسبت با این رابطه تعریف شود و بسیاری از تحولات بعدی داستان در امتداد همین پیوند روایی معنا یابد. بنابراین رفتارهای احمد تنها کنش‌های فردی نیستند؛ بلکه بازتابی از فرهنگ جمع‌گرایی جامعه فلسطین‌اند.

در انیاگرام، تیپ ۲ در سطح ناسالم ممکن است به قدری در کمک کردن افراط کند که مرزهای شخصی دیگران را نادیده بگیرد (پالمر، ۱۳۹۲: ۸۵). صاحب این تیپ از تعالیم و تربیتی که دریافت کرده پیروی می‌کند، با سنت‌ها سازگاری دارد و به هر آنچه به دوستی و عشق مربوط باشد توجه نشان می‌دهد. همچنین ممکن است در احساساتش نسبت به دیگران دچار افراط شود (ماری شاهین، ۱۹۹۵: ۹۷). با توجه به نمونه روایی احمد به صورت افراطی به دوستانش توجه می‌کند و این توجه گاهی باعث می‌شود دیگران احساس فشار کنند. این رفتار با ویژگی وابستگی عاطفی و نیاز به تأیید در تیپ ۲ ناسالم همخوان است. در نهایت، تحلیل میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که تیپ ۲ در شخصیت احمد نه تنها یک ویژگی روان‌شناختی، بلکه یک حالت روایی و فرهنگی است.

۳-۲. پابندی اخلاقی تیپ ۱ و نقش آن در ساختار روایت

شخصیت محوری همچون شریان تپنده و عصب زنده‌ای است که به داستان انرژی می‌بخشد و آن را به مرکز اشعاع متن و راز جذابیتش بدل می‌کند. این شخصیت با قدرت حضور خود، کانون رویدادها و

اساس حرکت داستان را می‌سازد و اندیشه شکل‌گیری متن روایی پیرامون او سامان می‌یابد. همچنین، شخصیت محوری کانون اصلی روایت را تشکیل می‌دهد؛ زیرا توجه راوی در گره‌گشایی از گسست‌های روایی بر او متمرکز است (الدخیلی و ریسمان، ۲۰۲۲: ۸۸).

شخصیت احمد به عنوان یکی از محورهای بنیادین، پابندی به اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی است، ویژگی‌ای که با تیپ ۱ در انیاگرام همخوانی دارد. تیپ ۱ بر درست‌کاری، پابندی به قواعد، انضباط، مسئولیت‌پذیری و ترجیح اصل اخلاقی بر تمایل شخصی استوار است (ریسو و هادسون، ۱۳۹۶: ۱۰۸). در روایت، این ویژگی‌ها نه تنها به عنوان خصوصیات فردی احمد، بلکه به عنوان ابزار ساختاری داستان عمل می‌کنند.

«لم أجرو أن أقربها السلام وخجلا وخوفا... ذات يوم تصادف أن وقع نظري على نظرها فشعرت بقشعريرة تسري في جسدي وبمشاعر جياشة تغزو قلبي» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۶۸). یکی از محورهای بنیادین شخصیت احمد، پابندی به اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی است. این صحنه روایت را از سطح احساسات نوجوانانه به سطح تعارض اخلاقی منتقل می‌کند. جمله «لم أجرو أن أقربها السلام وخجلا وخوفا» نقطه آغاز شکل‌گیری هویت اخلاقی احمد در روایت است. احمد عشق را در چارچوب قواعد اخلاقی تجربه می‌کند. او احساساتش را کنترل می‌کند تا با عرف خانوادگی و اجتماعی سازگار باشد. این کنترل، نشانه خودنظارتی اخلاقی است که تیپ ۱ را از سایر تیپ‌ها متمایز می‌کند. احمد عشق را نه به عنوان تجربه آزاد، بلکه به عنوان تجربه‌ای مشروط به اصول می‌بیند؛ این نگاه، ساختار عاطفی او را شکل می‌دهد. او می‌توانست همانند سایر دانشجویان با او دوست شود پس از اینکه یکدیگر را پسندیدند و بدون توجه به آداب و رسوم تشکیل خانواده دهد. اما احمد به اصول و عرف محلی و فامیلی پابند است زیرا در کودکی اینگونه تربیت شده بود بنابراین اذعان می‌کند که نمی‌خواهد قانون شکنی کند و آداب و رسوم خانوادگی را زیر پا گذارد بلکه از طریق اصول و آداب مرسوم از او خواستگاری کند.

براساس نظریه روایت، تعارض میان تمایل فردی و هنجار اجتماعی یکی از شگردهای بنیادین در ساختار داستانی است (یقطین، ۲۰۰۱: ۱۴۱). در روان‌شناسی شخصیت نیز تیپ ۱ در سطح سالم احساسات را در چارچوب اصول اخلاقی مدیریت می‌کند (پالمر، ۱۳۹۲: ۴۵). افراد این تیپ منطقی و پابند به اصول هستند. در همه کارها منظم و عقلانی و حق به جانب عمل می‌کنند (ریسو و هادسون، ۱۳۹۸: ۵۶). این خوانش میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که رفتار احمد صرفاً نشانه حیا نیست؛ بلکه نشانه برتری اصل اخلاقی بر تمایل شخصی است.

«لما أحسست بحرصي على رؤيتها كل يوم أو يومين، ولا بد أن أحرص عليها، فلا أطمع في المزيد في هذه المرحلة قبل أن أخرج من الجامعة وأكون قادرا على التقدم لخطبتها وفق القواعد والأصول، كما تربيت منذ طفولتي» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۶۹). سیر داستان از حالت احساسات به سطح برنامه‌ریزی اخلاقی منتقل می‌شود. آنجایی که راوی می‌گوید: «فلا أطمع في المزيد في هذه المرحلة قبل أن أخرج من الجامعة وأكون قادرا على

التقدم لخطبتها وفق القواعد والأصول، كما تربيت منذ طفولتي». این جمله، ساختار روایت را بر یک مسیر اخلاقی بنا می‌کند. بررسی شواهد روایی رمان نشان می‌دهد که احمد در موقعیت‌های حساس، دقیقاً همین الگوی رفتاری را بروز می‌دهد و این امر نشان دهنده انطباق ساختاری او با تیپ ۱ است.

احمد عشق را به تعهد اخلاقی تبدیل می‌کند. او برای آینده رابطه برنامه اخلاقی می‌چیند. این رفتار راوی نشان می‌دهد که عشق را در چارچوب نظم اجتماعی می‌بیند و از هرگونه رفتار خارج از عرف پرهیز می‌کند. این پرهیز، نشانه کمال‌گرایی اخلاقی او است؛ یعنی تلاش برای انجام درست امور حتی در حوزه عاطفی. در روایت شناسی، برنامه‌ریزی اخلاقی یکی از شگردهای تثبیت شخصیت در ساختار داستان است (ابراهیم، ۲۰۱۶: ۹۷). در روانشناسی شخصیت نیز تیپ ۱ در تصمیم‌گیری‌های مهم به اصول تربیتی دوران کودکی رجوع می‌کند (راجح، ۱۹۸۵: ۲۹). این خوانش نشان می‌دهد که تصمیم احمد، نه یک انتخاب فردی، بلکه بازتاب تربیت خانوادگی اوست.

«كنا نصلي في المسجد قبل الأذان؛ أقف إلى جوار جدي أفعل مثلما أستطيع، أجلس إلى جواره متربعا، وأضع رأسي بين يديه مثل الأولاد المؤدبين. ينهي الشيخ حامد أذانه وينزل عن المئذنة ويصلون السنة، وأنا أقف بجوار جدي أقلده ما استطعت؛ فيأتي عدد قليل من شيوخ المخيم ليؤدي الجميع صلاة الظهر جماعة» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۷). این انضباط رفتاری که از ویژگی‌های تیپ کمال‌گرا است، از کودکی در او شکل گرفته و بعدها در تصمیم‌گیری‌های بزرگسالی نیز تداوم می‌یابد. در انیاگرام، تداوم نظم از کودکی تا بزرگسالی یکی از نشانه‌های تثبیت تیپ ۱ است. راوی می‌گوید: «كنا نصلي في المسجد قبل الأذان... مثل الأولاد المؤدبين أقلده ما استطعت...». این صحنه، روند روایت را بر اصل تربیت اخلاقی بنا می‌کند.

این رفتار نشان می‌دهد که احمد از کودکی نظم مذهبی را در خود نهادینه کرده است. او رفتارهای پدر بزرگ را با دقت تقلید می‌کند؛ این تقلید، نشانه کمال‌گرایی رفتاری است. احمد از همان کودکی، خود را ملزم به رعایت آداب می‌داند؛ این الزام، بعدها در تصمیم‌های بزرگسالی او تاثیر گذاشته است.

۳-۳. اعتماد به نفس در ساختار روایی باگرایش به تیپ ۸

مهم‌ترین ویژگی‌های بارز افراد تیپ موفقیت‌طلب، متکی به خود، با روحیه و دارای هدف و برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن، دارای مهارت در متقاعد کردن دیگران، کارآمد و دقیق بودن است (ریسو و هادسون، ۱۳۹۸: ۱۱۸). تیپ ۳ در انیاگرام بر موفقیت، هدف‌گذاری و عمل‌گرایی استوار است (آلبرت، ۲۰۱۳: ۱۴۰). در تحلیل میان‌رشته‌ای احمد در بخش‌هایی از روایت، الگوهای رفتاری مرتبط با تیپ‌های ۳ و ۸ را بروز می‌دهد؛ دو تپیی که بر هدف محوری، اعتماد به نفس، جرأت‌ورزی و کنترل شرایط تأکید دارند. «لما رفض محمد الذهاب واصطحابي، ذهب إلى دار عمي لأكون برفقة إبراهيم. دفعت الباب ودخلت الغرفة؛ كان عمي يجلس -وهو الذي لم أستطع يوما تذكر ملامح وجهه- ويبدو بندقية يقوم بإصلاحها. قلت في نفسي: لعلني أعمل شيئا مشابها بها! شدة البندقية انتباهي، حيث كان نظري يتركز عليها طيلة الوقت» (السنوار، ۲۰۰۴: ۷۵).

ورود احمد به اتاق عمو و نگاه خیره او به اسلحه، روایت را از مشاهده کودکانه به جرأت‌ورزی زود هنگام منتقل می‌کند. اعتماد به نفس بالا و گرایش به قدرت‌ورزی به خودش جرأت می‌دهد و همانند عمویش دست به تعمیر اسلحه ببرد و کار مشابه‌ای انجام دهد. احمد می‌گوید: «لعلی أعمل شيئا مشابها به... كان نظري يتركز عليها طيلة الوقت». این رفتار نشان دهنده جذب شدن به ابزار قدرت است؛ ساز و کاری که در تیپ ۸ بسیار برجسته است. احمد در این لحظه، نه تنها کنجکاو است، بلکه میل به توانمندی را تجربه می‌کند؛ میلی که فراتر از سن اوست. این گرایش، بیانگر شکل‌گیری خود مقتدر در ساختار شخصیت اوست. این رفتار صرفاً کنجکاوی کودکانه نیست؛ بلکه نشانه جرأت‌ورزی زود هنگام و گرایش به قدرت است.

در روایت‌شناسی، ابزار قدرت یکی از عناصر نمادین شکل دهنده هویت قهرمان است (ابراهیم، ۲۰۱۶: ۱۱۳). تیپ ۸ در انیاگرام نیز با ویژگی‌هایی همچون قدرت طلبی، قاطعیت، تمایل به کنترل شرایط، مقاومت در برابر آسیب‌پذیری، و واکنش شدید در برابر تهدید شناخته می‌شود (ریسو و هادسون، ۱۳۹۶: ۱۱۸). افراد این تیپ معمولاً در موقعیت‌های خطرناک یا ناعادلانه، نقش چالش‌گر را بر عهده می‌گیرند و برای حفظ امنیت خود و اطرافیان، رفتارهای قاطع و گاه خشونت‌بار نشان می‌دهند. افراد این تیپ خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند و چنان رفتار می‌کنند که گویی شخصیت برجسته هستند و معمولاً میل دارند نقش رهبری را بر عهده بگیرند (ماری شاهین، ۱۹۹۵: ۷۴). تحلیل شواهد رمان نشان داد که احمد در چند موقعیت کلیدی، دقیقاً همین الگوی رفتاری تیپ ۸ را بروز می‌دهد.

«كان عليّ أن أبدأ التحضير الجاد لامتحانات نهاية الثانوية العامة، فلم يبقَ لامتحانات سوى شهرين ونصف، وعليّ أن أحصل على درجات معقولة» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۳۴). اشاره به باقی ماندن دو ماه و نیم تا امتحانات، زمان روایت را محدود و مشخص می‌سازد. این محدودیت زمانی، وضعیت احمد را به مرحله‌ای از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی وارد می‌کند. هدف کسب نمره‌های قابل قبول، کنش او را در مسیر مشخصی قرار می‌دهد. در نتیجه، روایت از بیان وضعیت به سوی هدف و انتظار برای دستیابی به نتیجه پیش می‌رود. احمد موفقیت را برای تسلط بر آینده می‌خواهد. او با برنامه‌ریزی دقیق، تلاش می‌کند شرایط زندگی را تحت کنترل بگیرد. این رفتار از او شخصیت توانا و برنامه‌ریز ساخته است؛ دو ویژگی اصلی تیپ ۸. احمد در این مرحله، از وابستگی عاطفی فاصله می‌گیرد و به اقتدار فردی نزدیک می‌شود.

در اینجا لازم است در خصوص تفاوت تیپ‌های موفقیت طلب و ریاست طلب انیاگرام توضیحی ارائه شود. هر دو تیپ خواهان موفقیت‌اند؛ اما برای تیپ موفقیت طلب، تأیید دیگران اهمیت دارد و شهرت و دیده شدن، بالاترین هدف اوست، درحالی که تیپ ریاست طلب، راه خود را می‌رود و نگران تأیید و تصدیق دیگران نیست (درویش و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۹). بنابراین احمد فقط به فکر موفقیت خود است و انتظار این که دیگران او را تحسین کنند، را ندارد. اگر او مطابق تیپ موفقیت طلب رفتار می‌کرد دستکم موفقیت خود را به رخ دیگران می‌کشید و منتظر بود که دیده شود. این رفتار با تیپ ۳

سازگار نیست. در عوض، نشان می‌دهد که احمد می‌خواهد بر شرایط زندگی خود کنترل داشته باشد؛ یعنی موفقیت برای او ابزار قدرت شخصی است، نه جلب توجه. این دقیقاً انگیزه تیپ ۸ است که به صورت برجسته در شخصیت احمد نمایان است و گاهی منجر به مقاومت در برابر محدودیت‌ها می‌شود آنجایی که راوی می‌گوید: «ثم بدأت الأخبار تتوالى بأنه يعمل في ترويج المخدرات والحشيش والصور والمجلات الفاحشة» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۰۷).

احمد در این صحنه نقش رهبر چالش‌گر را دارد. او مسئولیت کنترل حسن را بر عهده می‌گیرد حاضر است برای حفظ امنیت خانواده بهای سنگین بدهد و در معرض آسیب‌پذیری قرار گیرد اما در مقابل هر نوع تهدیدی مقاومت می‌کند و خودش را مسئول می‌داند. این رفتارها کاملاً مطابق ساختار دفاعی تیپ ۸ است. راوی در برابر محدودیت واکنش فعال نشان می‌دهد. او به جای پذیرش منع، مسیر جدیدی می‌سازد؛ این رفتار نشانه خودمختاری و مقاومت در برابر آسیب‌پذیری است. این کنش، نشان می‌دهد که احمد از همان کودکی تلاش می‌کند شرایط را بازسازی کند و از خودش شخصیت ممتاز تجرید کنید زیرا برنتابیدن او، باعث تعهد‌پذیری او می‌شود که مجبور به اقدام در مقابل تهدید می‌شود.

۳-۴. پویایی شخصیتی راوی در ساختار روایت بر اساس تیپ‌های ۵، ۶ و ۹

پویایی شخصیتی راوی نشان می‌دهد که رفتار او ثابت در یک تیپ خاصی نیست و بر اساس موقعیت روایی میان چند تیپ جابه‌جا می‌شود. تیپ ۵، کاوش‌طلبی موقعیتی و میل به کشف امر مبهم از طریق کنجکاوی ذهنی (پالمر، ۱۳۹۲: ۱۶۹). تیپ ۶، تردید و احتیاط موقعیتی و میل به تکیه بر مرجع امن در برابر تهدید است (ریسو و هادسون، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

تیپ ۹، انفعال و هماهنگی موقعیتی و میل به حفظ آرامش از طریق همراهی بدون درگیری: «استدعت انتباهي ورقة، ميزتها أنها من أوراق إبراهيم، وبينما كنت أضعها بين أوراقه وقع نظري على سطر العنوان فيها: "تقرير حول تحركات وممارسات حسن الصالح. لم أتمكن من مقاومة الفضول للاطلاع على ما فيها؛ جمعت باقي الأوراق بسرعة، وأجزت لنفسي أن أقرأ ما كتب في ذلك التقرير الاستخباري المحكم الذي يحمله إبراهيم» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۶۲). صحنه افتادن اوراق از پاکت ابراهيم، روایت را از یک همراهی ساده به لحظه‌ای حساس منتقل می‌کند. نگاه احمد که ناگهان روی عنوان گزارش می‌افتد، ریتم داستان را تند می‌کند و فضای آرام پیشین را به فضایی پر از پرسش و توجه تبدیل می‌سازد. این تغییر ناگهانی، نقطه‌ای است که داستان از سطح رفتارهای روزمره به سطح کشف و آگاهی وارد می‌شود. بنابراین ما جهان را از ذهن احمد می‌بینیم، نه از بیرون. همین امر باعث می‌شود تیپ ۵ او موقتی و وابسته به زاویه دید به نظر برسد، نه ویژگی پایدار شخصیت. به‌طور خلاصه، ساختار روایت در این صحنه بر گذار از سکون به کشف، از مشاهده به مداخله، و از دانای محدود به جوینده آگاهی بنا شده است؛ گذاری که دقیقاً زمینه بروز موقتی تیپ ۵ را فراهم می‌کند. واکنش احمد نشان دهنده میل به کشف امر مبهم است. جمله لم أتمكن من مقاومة الفضول بیانگر آن است که کنجکاوی او از سطح واکنش لحظه‌ای فراتر رفته و به مرحله

پرسشگری رسیده است. با این حال، این ویژگی در احمد پایدار نیست و در سایر بخش‌های روایت، شاخص‌های اصلی تیپ ۵ دیده نمی‌شود. بنابراین کاوش طلبی او موقعیتی است نه ساختاری و ثابت. در روایت شناسی، لحظه دسترسی شخصیت به اطلاعات پنهان معمولاً نقطه‌ای است که داستان وارد مرحله تازه‌ای از آگاهی می‌شود (هالربین، ۱۹۸۱: ۸۸). مواجهه احمد با گزارش محرمانه، چنین نقشی دارد. متن از طریق یک اتفاق کوچک، دریچه‌ای تازه به جهان داستان می‌گشاید و شخصیت را با لایه‌ای رو به رو می‌کند که پیش‌تر از او دور بوده است. از نگاه روانشناسی شخصیت، این واکنش با گرایش‌های تیپ ۵ هماهنگ است؛ تپیی که در برابر امر مبهم، تلاش می‌کند از طریق توجه به جزئیات، تصویر روشن‌تری از موقعیت بسازد (پالمر، ۱۳۹۲: ۱۵۸). ترکیب این دو دیدگاه بیانگر آن است که کنجکاوی احمد، علاوه بر پیشبرد روایت، نقش مهمی در شکل‌گیری درک او از محیط دارد. بنابراین تحلیل میان‌رشته‌ای نشان می‌دهد که احمد در برخی موقعیت‌ها رفتارهایی نزدیک به تیپ ۵ بروز می‌دهد؛ تپیی که با کنجکاوی، میل به کشف ناشناخته‌ها و تحلیل ذهنی شناخته می‌شود.

«أتساءل في نفسي: هل من صلاح الدين لهذه المرحلة؟» (السنوار، ۲۰۰۴: ۱۳۳). «كنت أزاوُل أعمال البناء شريكا كاملاً لإبراهيم... كان مخلصاً في عمله» (السنوار، ۲۰۰۴: ۲۰۰۴). یادآوری صلاح‌الدین، روایت را از سطح فردی به سطح آرمانی می‌برد. مشارکت در کار ساختمانی، ساختار روایت را بر محور وفاداری عملی بنا می‌کند. احمد در مواجهه با بحران، به الگوی رهبری مقتدر رجوع می‌کند؛ این رجوع نشانه نیاز تیپ ۶ به مرجع امنیت بخش است. در کار ساختمانی، او وظایف را کامل انجام می‌دهد و از ناتمام گذاشتن کار پرهیز می‌کند؛ این رفتار با ساز و کار تیپ ۶ برای حفظ امنیت روانی همخوان است.

برخی از شخصیت‌ها در قالب یک تیپ مشخصی جای نمی‌گیرند که رفتارهای تیپ‌های کناری را از خود بروز می‌دهند که همان جناح یا بال است. گرایش به تیپ ۱، در اینجا نیز پیدا می‌شود زیرا بعضی مواقع، تیپ ۱ به این دلیل از دیگران انتقاد می‌کند که همه فشار درونی تنها بر خودش تحمیل نشود و نیز تمایل به انتقاد موجب می‌شود که تیپ ۱ در ذهن خود به قضاوت و مقایسه بپردازد (پالمر، ۱۳۹۲: ۵۸). هدف احمد نیز همین است که با انتقاد از درد و غم خود بکاهد و عزم و اراده خود و افراد مقاومت را با سران بی تفاوت در معرض قضاوت قرار دهد. او برای اینکه به این آرمان دیرینه خود دست یابد یکی از فاتحان قدس را به یاد می‌آورد و اینچنین این تمنا را در دل خود زنده نگاه می‌دارد. بنابراین از منظر روان‌شناسی شخصیت، تیپ ۶ برای کاهش اضطراب به وفاداری عملی، انجام کامل وظایف و رجوع به مرجع مقتدر نیاز دارد. رفتارهای احمد نه تنها کنش‌های فردی، بلکه حفظ امنیت روانی و مراحل تحول تیپ ۶ هستند. توجه تیپ ۶، تا حد زیادی به روابط بین افراد در محیط کار معطوف می‌شود. گاهی امنیت او به این موضوع بستگی دارد که بداند با چه کسانی در محل کار همکاری می‌کند. سازگاری با محیط کار، شناخته شدن به خاطر انجام وظایف، یافتن نقاط مشترک و همکاری با دیگران را دوست دارد (همان: ۲۱۰). احمد نیز زمانی که به کار ساختمانی مشغول بود علاقه مندی و رضایتش به این خاطر بود

که با فردی مخلص و درستکاری همانند ابراهیم کار می‌کرد. بنابراین او ترجیح می‌داد با وجود غیبت ابراهیم، از هیچ تلاشی در این زمینه دریغ نکند. این جمله بیانگر وفاداری، مسئولیت پذیری و تلاش برای انجام وظایف است؛ ویژگی‌هایی که در تیپ ۶ بسیار برجسته‌اند.

تیپ ۶ معمولاً برای کسب امنیت روانی، وظایف خود را به طور کامل انجام می‌دهد و از ناتمام گذاشتن کار پرهیز می‌کند (الزیناتی، ۲۰۰۳: ۹۳). بنابراین، این نمونه نه تنها با تیپ ۱ همخوان است، بلکه با تیپ ۶ نیز سازگار است؛ زیرا تیپ ۶ برای حفظ امنیت و اعتماد دیگران، وظایف را کامل انجام می‌دهد. با توجه به موقعیت‌ها، گاهی تیپ‌های شخصیتی افراد از خود پیام‌های ضد و نقیضی بروز می‌دهند. و این تضادین در آن واحد باشد یا در زمان‌های مختلف که شکل انیاگرام با جهت پیکان و خلاف آن بیانگر این تضاد است. در شخصیت راوی این پیام در دو زمان مختلف منعکس شده است. او در ابتدا همانند افراد تیپ ریاست طلب قانون‌گریزی داشت. افراد این تیپ گاهی خودشان را ملزم و متعهد نمی‌دانند و بر خلاف دستوراتی صادر شده عمل می‌کنند. او حتی در امورات دینی هم هیچ الزامی نمی‌دید. بنابراین شخصیت راوی یک شخصیت متحوّلی است او بر خلاف جوانی‌اش که دوست نداشت خودش را مقید به اصولی کند که الزاما از آنها پیروی کند اما پس از سفری که همراه با پسرعمویش ابراهیم به بیت المقدس می‌رود و از نزدیک این اماکن مقدسه را دیدار می‌کند و همچنین تحت تاثیر سخنان ابراهیم قرار می‌گیرد تصمیم می‌گیرد که خودش را ملزم به اداء واجبات کند و در شخصیتش تغییر قابل ملاحظه‌ای مشهود است.

نتیجه

در پاسخ به پرسش نخست چنین دریافت شد که شخصیت احمد در رمان «الشوک والقرنفل» بیشترین شباهت را به تیپ ۲ دارد؛ زیرا تمام رفتارها و تصمیم‌های او، ریشه در نیاز شدید او به پیوند و حمایت از ابراهیم دارد. با این حال، احمد در چارچوب یک تیپ ثابت باقی نمی‌ماند؛ تحلیل‌ها نشان داد که او در موقعیت‌های مختلف، ویژگی‌هایی از تیپ‌های ۱، ۶، ۸ و ۹ را هم نشان می‌دهد و در لحظات پرفشار داستان، حتی به رفتارهای تیپ ۵ نزدیک می‌شود. این جابه‌جایی‌ها اثبات می‌کند که احمد یک شخصیت واقعی و متحول است که روحیاتش مستقیماً از شرایط سخت دوران مقاومت تأثیر می‌پذیرد و به سادگی در یک دسته کلیشه‌ای جای نمی‌گیرد.

در پاسخ به پرسش دوم، این مطالعه ثابت کرد که مدل انیاگرام ابزاری بسیار کاربردی برای درک چندلایگی شخصیت‌های داستان است. در نگاه‌های معمول به این نوع آثار، شخصیت‌ها اغلب فقط به عنوان مبارز دیده می‌شوند و ویژگی‌های دیگر آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. اما به کارگیری انیاگرام به ما کمک کرد تا به عمق دنیای درونی احمد و کشمکش‌های روانی او پی ببریم. این روش، راه تازه‌ای را برای پژوهش‌های آینده در ادبیات عرب باز می‌کند تا منتقدان بتوانند شخصیت‌های داستانی را نه فقط به

عنوان نمادهای سیاسی، بلکه به عنوان انسان‌هایی با تضادها و پیچیدگی‌های واقعی بررسی کنند و خوانشی چند بعدی و عمیق‌تر از متون ادبی داشته باشند.

در پایان، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به تحلیل آثار داستانی عربی دیگر با رویکرد میان‌رشته‌ای بپردازند و نظریه‌های متنوع‌تری از رشته دوم - همچون روان‌کاوی، تحلیل رفتار، یا نظریه سلسله مراتب نیازهای آبرهام مازلو در یک رمان (مخصوصاً رمان «الشوک و القرنفل») را در کنار نظریه‌های ادبی به کار گیرند. همچنین گسترش تحلیل به جنبه‌هایی چون ساختار روایت، زاویه دید، یا روابط میان شخصیت‌ها می‌تواند مسیرهای تازه‌ای برای فهم عمیق‌تر ادبیات مقاومت فراهم سازد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان به طور مساوی در کلیه مراحل طراحی و انجام پژوهش، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تحلیل و تفسیر اطلاعات و نتایج، تهیه پیش نویس مقاله، بررسی و کنترل نتایج، اصلاح، بازبینی و نهایی‌سازی مقاله مشارکت داشتند.

اعلامیه هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش

در طول آماده‌سازی این اثر، نویسندگان از هوش مصنوعی «کاپی لات» به منظور ویرایش ادبی و علمی متن نهایی مقاله استفاده کردند. پس از استفاده از این ابزار، نویسندگان مطالب را بررسی و ویرایش کرده و مسئولیت کامل محتوای مقاله را بر عهده می‌گیرند.

تعارض منافع

این مقاله تعارض منافع ندارد.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

بیانیه دسترسی به داده‌ها

مقاله حاضر به طور عمومی و دسترسی آزاد در سامانه نشریه «روایت پژوهی میان‌رشته‌ای در زبان و ادبیات عربی» با صاحب امتیازی دانشگاه زابل قابل استفاده است.

سپاسگزاری

ندارد.

منابع

الف) منابع عربی

- ابراهیم، عبدالله. (۲۰۱۶). *موسوعة السرد العربی*. دبی: مؤسسة محمد بن راشد آل مكتوم.
- أبو السل، محمد شحاده. (۲۰۱۴). أنماط الشخصية لدى طلبة جامعة دمشق وفق مقياس ريسو - هديسن (الإنیگرام). *مجلة جامعة دمشق*. ۱۲ (۳۰): ۶۲۱-۶۴۵.
- ألبرت، كال. (۲۰۱۳). *أنماط الشخصية اسرار و خفايا* (حسين حمزة، ترجمة). عمان: دار الكنوز.
- الدخيلي، حسين و ريسمان، زينب. (۲۰۲۲). *الخبر في كتاب نزهة الأبصار و محاسن الآثار للطبري المامطيري - دراسة سردية*. بيروت، لبنان: دار البصائر.
- راجح، أحمد عزت. (۱۹۸۵). *أصول علم النفس*. الاسكندرية: دار المعارف.
- الزيناتي، اعتماد يعقوب. (۲۰۰۳). *انماط الشخصية الصبورة و علاقتها بالضغوط النفسية لدى طالبات الجامعة الإسلامية بغزة* [رسالة ماجستير، كلية التربية، الجامعة الإسلامية - غزة].
- السنوار، يحيى. (۲۰۲۴). *الشوك و القرنفل*. فلسطين: دار العلم.
- العبودي، ضياء غنى و العامري، ميادة عبدالأمير. (۲۰۱۳). *الخبر في كتاب الأغاني*. عمان: دار حامد.
- عمارة، احمد. (۲۰۱۸). *أنماط الشخصية و التوازن النفسي*. القاهرة: دار أجيال.
- ماري شاهين، روز. (۱۹۹۵). *قراءات متعددة للشخصية علم نفس الطباع و الأنماط دراسة تطبيقية على شخصيات نجيب محفوظ*. بيروت: دار الهلال.
- هالربين، جون. (۱۹۸۱). *نظرية الرواية* (محي الدين صبحي، ترجمة). دمشق: منشورات وزارة الثقافة و الارشاد القومي.
- يقطين، سعيد. (۲۰۰۱). *انفتاح النص الروائي* (ط ۲). بيروت: دار البيضاء.

ب) منابع فارسی

- پارسا، سيداحمد و مرادی، اقبال. (۱۳۹۲). «تپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی صادق هدایت با تأکید بر طبقه‌بندی انیه‌گرام». *مطالعات داستانی*. ۱ (۳): ۵-۲۲.
- پالمر، هلن. (۱۳۹۲). *انایگرام: شخصیت‌شناسی درکار و زندگی*. (احسان الوندی، ترجمه) (چ ۲). تهران: رسا.
- ریسو، دان ریچارد و هاسون، راس. (۱۳۹۶). *اینایگرام دریچه‌ای به فرانسوی شخصیت* (مسعود حسین چاری و وجیه الله گل‌نواز، ترجمه). تهران: کتاب ارجمند.



التحليل النفسي لشخصية أحمد في رواية «الشوك والقرنفل» بناء على أنماط الإنجرام التسعة

بتول محسن راد^١، محمدتقي زندوكيلي^٢، عبيدالله كوتش توتازهي^٣

^١ أستاذة مساعدة، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة سيستان وبلوتستان، زاهدان، إيران.

^٢ أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة سيستان وبلوتستان، زاهدان، إيران.

^٣ طالب الدكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة سيستان وبلوتستان، زاهدان، إيران.

معلومات المقالة الملخص

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٧/٠٩/١٣

تاريخ القبول:

١٤٤٨/٠٢/١٠

تعد نظرية الإنياگرام، بوصفها نظرية حديثة في تصنيف الشخصية، أداة لتحليل سلوك الإنسان وخلقه؛ بيد أن تحليل الشخصيات الروائية بالاعتماد على الشواهد السردية وحدها أو على المفاهيم النفسية وحدها يعجز عن تفسير الطبقات الخفية للشخصية تفسيراً كاملاً، وهذه المسألة لا تزال بحاجة إلى إطار تليفيقي. وتقدم رواية «الشوك والقرنفل» ليحيى السنوار، الكاتب الفلسطيني، من خلال سرد حياة أحمد في سياق المقاومة والأسر، شخصية متعددة الطبقات تتطلب تحليلها الاستفادة المتزامنة من الشواهد السردية ومفاهيم الإنياگرام. وتهدف هذه الدراسة إلى تبين كيفية انطباق السمات الشخصية لأحمد مع الأنماط التسعة للإنياگرام وتحديد النمط الغالب لديها، وقد أجريت بمقاربة تليفيقية. وقد دمجت نظرية الإنياگرام من مجال علم النفس في الشخصية، بوصفها الإطار النظري للتخصص الثاني، مع منهجيات تحليل السرد في الأدب العربي، ويقع مستوى التفاعل بين التخصصين في فئة التكامل البيني. وتظهر النتائج أن النمط الثاني هو الأكثر انطباقاً مع شخصية أحمد؛ إذ يعكس تعلقه بإبراهيم هذا الاتجاه، ويعد تدخله في حوار الأم وإبراهيم حول البحث عن زوجة مصداقاً له. وإلى جانب هذه السمة، تظهر علامات من الأنماط الأول والسادس والثامن والتاسع في شخصيته، ويقتصر النمط الخامس على المواقف الضاغطة. وبناء على ذلك، يظهر التحليل التليفيقي أن الإنياگرام، في ارتباطه بالشواهد السردية، يمكن أن يسهم في تفسير أدق لبناء شخصية أحمد، ويوفر نموذجاً لتحليل ساير الشخصيات الروائية العربية.

الكلمات المفتاحية: «الشوك والقرنفل»، يحيى السنوار، الإنجرام، علم النفس المعرفي، أنماط الشخصية.

الاقتباس: محسن راد، ب. زندوكيلي، م. كوتش توتازهي، ع. (١٤٤٨). التحليل النفسي لشخصية أحمد في رواية «الشوك والقرنفل» بناء على أنماط الإنجرام التسعة، *السرديات البينية في اللغة العربية وآدابها*. ٣ (١). ٢١٧-٢٣٨.

doi: 10.22034/jisall.2026.588655.1133



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

* البريد الإلكتروني (الكاتب المسؤول): tootazehi@pgs.usb.ac.ir

A Psychological Analysis of Ahmad's Character in the Novel *Al-Shawk wa al-Qarnafal* Based on the Ninefold Enneagram Model

Batoul Mohseni Rad, Assistant Professor in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

Mohammad taghi Zandvakili, Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Obeydollah Koch Totazahi, (corresponding author): PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. Email: tootazehi@pgs.usb.ac.ir.

Introduction

Yahya al-Sanwar's novel *Al-Shawk wa al-Qarnful* stands as a significant work within Palestinian resistance literature, offering a multilayered portrayal of personal and collective experience under occupation. At the center of the narrative is Ahmed, a character whose behavioral complexity and shifting motivations render the text unsuitable for analysis through single-disciplinary literary approaches. While previous studies have largely focused on the social and political dimensions of the novel, its psychological layers—particularly the internal mechanisms shaping Ahmed's actions—have received limited scholarly attention. This gap underscores the need for an interdisciplinary perspective capable of addressing both the narrative structure and the psychological foundations of character formation. Positioned at the intersection of resistance literature and personality psychology, the novel provides fertile ground for examining how emotional dynamics and contextual pressures shape Ahmed's responses. Accordingly, this study employs the Enneagram typology to identify Ahmed's dominant and secondary personality types, explain the contextual factors influencing his behavioral shifts, and demonstrate how an interdisciplinary approach can yield a deeper and more nuanced reading of *Al-Shawk wa al-Qarnful*. Through this lens, the research aims to illuminate interpretive layers that remain inaccessible through purely literary analysis.

Methodology

The findings of this study demonstrate that applying an interdisciplinary analysis to *Al-Shawk wa al-Qarnful* through the Enneagram framework reveals concealed dimensions of Ahmed's character and enables a more refined understanding of his motivational and behavioral mechanisms. Alongside this dominant type, indicators of Types One, Three, Six, Eight, and Nine also emerge, reflecting the fluidity of his personality and his

responsiveness to situational pressures and interpersonal interactions. The psychological analysis further indicates that Ibrahim's presence plays a decisive role in redirecting Ahmed's motivations, shifting him from individual reactions toward collective-oriented actions—an axis that shapes one of the central dynamics of the narrative. Viewing the text through the lens of personality psychology uncovers narrative layers that remain inaccessible through purely literary readings, including Ahmed's defensive mechanisms, emotional cycles, and his movement among interconnected types through the Enneagram's directional arrows. Ultimately, addressing the research questions through concrete textual evidence confirms that Ahmed is not a fixed personality type but rather a dynamic, multilayered character whose structure becomes fully intelligible only at the intersection of resistance literature and personality psychology.

Results and Discussion

The findings of this study show that applying an interdisciplinary analysis based on the Enneagram theory to Al-Shawk wa al-Qarnful reveals hidden layers of Ahmed's personality and provides a deeper understanding of his behavioral dynamics. The Enneagram, one of the most modern approaches to personality typology, identifies nine core types and emphasizes that no individual embodies a single pure type; rather, each personality is shaped by a primary type and one of its adjacent types, known as "wings." Mapping Ahmed's behavioral traits onto this model demonstrates that his personality displays a combination of multiple types, shifting across several patterns throughout the narrative. The strongest alignment appears with Type Two, the Helper, as his actions consistently reflect care, empathy, and a willingness to sacrifice for others. Alongside this dominant tendency, evidence also points to traits associated with Type One (the Reformer), Type Six (the Questioner), Type Eight (the Challenger), and Type Nine (the Peacemaker). This diversity of responses indicates that Ahmed reacts differently—and sometimes contradictorily—depending on the situation, a pattern that corresponds to the circular and dynamic structure of the Enneagram. The psychological reading further shows that Ibrahim's influence plays a significant role in reshaping Ahmed's motivations and emotional orientation, marking one of the central axes of the narrative.

Conclusion

The findings of this study indicate that employing an interdisciplinary approach to Al-Shawk wa al-Qarnful provides a deeper understanding of both the narrative and psychological mechanisms shaping Ahmed's character, revealing layers of meaning that remain inaccessible through single-disciplinary analysis. Integrating resistance literature with personality

psychology demonstrates that Ahmed embodies a dynamic and multilayered structure, with his actions emerging from the interaction between internal motivations, situational pressures, and interpersonal influences. This approach further clarifies that Ahmed's movement among different Enneagram types is not a sign of inconsistency but rather an expression of psychological adaptability and his gradual orientation toward collective-driven action. The interdisciplinary contribution of this research lies in showing how psychological models can enrich the study of characterization in Arabic narrative writing and open new pathways for advanced narrative analysis. In this sense, the study contributes to the development of interdisciplinary scholarship and offers a model for analyzing Arabic fiction through the integration of literary theory and personality psychology.

References

- Albert, K. (2013). *Anmāṭ al-shakhṣīyah: Asrār wa khafāyā* [Personality types: Secrets and mysteries] (H. Hamza, Trans.). Dar al-Kunuz. {In Arabic}
- Abu al-Sal, M. Sh. (2014). *Anmāṭ al-shakhṣīyah ladā ṭalabat Jāmi'at Dimashq waḥḍa miqyās Rīsū-Hudīsūn (al-Enneagram)* [Personality types among Damascus University students according to the Riso-Hudson Enneagram scale]. *Journal of Damascus University*, 12(30), 621-645. {In Arabic}
- Al-Dakhili, H., & Risman, Z. (2022). *Al-khabar fī kitāb Nuzhat al-abṣār wa maḥāsin al-āthār li-l-Ṭabarī al-Māmaṭīrī: Dirāsah sardīyah* [The report in Al-Ṭabarī al-Māmaṭīrī's Nuzhat al-abṣār wa maḥāsin al-āthār: A narrative study]. Dar al-Baṣā'ir. {In Arabic}
- Al-'Abūdī, Ḍ. Gh., & Al-'Āmirī, M. 'A. (2013). *Al-khabar fī kitāb al-Aghānī* [The report in the Book of Songs]. Dar Hamid. {In Arabic}
- Al-Zaynatī, I. Y. (2003). *Anmāṭ al-shakhṣīyah al-ṣabūrah wa 'alāqatuhā bi-l-ḍughūt al-naḥsīyah ladā ṭalibāt al-Jāmi'ah al-Islāmīyah bi-Ghazzah* [Patient personality types and their relationship to psychological stress among female students of the Islamic University of Gaza] [Master's thesis, Faculty of Education, Islamic University of Gaza]. {In Arabic}
- Al-Sinwār, Y. (2024). *Al-shawk wa al-qaranful* [The thorn and the carnation]. Dar al-'Ilm. {In Palestine}
- Hurlburt, J. (1981). *Naẓariyat al-riwāyah* [Theory of the novel] (M. al-Dīn Subḥī, Trans.). Publications of the Ministry of Culture and National Guidance. {In Arabic}
- Ibrāhīm, 'A. (2016). *Mawsū'at al-sard al-'Arabī* [Encyclopedia of Arabic narrative]. Mohammed bin Rashid Al Maktoum Foundation. {In Arabic}
- Imārah, A. (2018). *Anmāṭ al-shakhṣīyah wa al-tawāzun al-naḥsī* [Personality types and psychological balance]. Dar Ajyāl. {In Arabic}

- Lārinī, Ş. (2014). *Maḥfūm al-habitus 'inda Pierre Bourdieu* [The concept of habitus in Pierre Bourdieu]. *Al-'Ulūm al-Ijtimā'īyah*, 8(4), 63-71. {In Arabic}
- Marie Shaheen, R. (1995). *Qirā'āt muta'addidah li-l-shakhṣīyah: 'Ilm nafs al-ṭibā' wa al-anmāṭ, dirāsah taḥbīqīyah 'alā shakhṣīyāt Najīb Maḥfūz* [Multiple readings of personality: The psychology of temperaments and types, an applied study of Naguib Mahfouz's characters]. *Dar al-Hilal*. {In Arabic}
- Pālmir, H. (2013). *Enneagram: Shakhṣīyat-shenāsī dar kār va zendegī* [The Enneagram: Personality in work and life] (E. Alvandi, Trans.; 2nd ed.). Rasa. {In Persian}
- Pārsā, S. A., & Murādī, E. (2013). *Tīp-shenāsī-ye shakhṣīyat-hā-ye dāstānī-ye Ṣādeq Hedāyat bā ta'kīd bar ṭabaqeh-bandī-ye Enneagram* [Typology of Sadeq Hedayat's fictional characters with emphasis on Enneagram classification]. *Moṭāle'āt-e Dāstānī*, 1(3), 5-22. {In Persian}
- Rājīh, A. 'I. (1985). *Uṣūl 'ilm al-nafs* [Foundations of psychology]. *Dar al-Ma'ārif*. {In Arabic}
- Riso, D. R., & Hudson, R. (2017). *Enneagram: Darīchah-ī be shenākht-e shakhṣīyat* [The Enneagram: A doorway to understanding personality] (M. Hossein Chari & V. Golnavaz, Trans.). Arjmand Book. {In Persian}
- Ṣādeqī, 'A. R., & Maḥdāvī Dāmghānī, M. (2020). *Taḥlīl-e shakhṣīyat-e Sa'dī bar asās-e tīp-hā-ye shakhṣīyatī-ye borūn-garā'ī darūn-garā'ī* [Analysis of Sa'di's personality based on extraversion-introversion personality types]. *Pažūhesh-hā-ye Dastūrī va Balāghī*, 10(17), 119-145. doi: 10.22091/jls.2020.5345.1222 {In Persian}
- Yaqīn, S. (2001). *Inḥitāḥ al-naṣṣ al-riwā'ī* [The openness of the narrative text] (2nd ed.). *Dar al-Bayḍā'*. {In Arabic}